

افغانستان
دارای منابع
طبیعی غنی
شامل نفت،
گاز طبیعی،
سنگ آهن، طلا،
مس، کبالت،
لیتیوم و سایر
مواد خام با
ارزش تقریبی
یک میلیارد
دلار است [۱۸].
بدیهی است
که فکر کنیم که
اگر چین بتواند
این منابع را از
طریق BRI وارد
کند، می تواند
از واردات از
کشورهای دورتر،
بی ثبات تر و
کشورهایی که
با آنها رابطه
دوستانه
چندانی ندارد،
بکاهد

به بی ثباتی مرزهای غربی چین شود، جای ترس از محاصره توسط ایالات متحده را گرفت. زیربنای این برداشت های متغیر، یک ذهنیت پراز تضاد است که همزمان مهار طالبان توسط ایالات متحده را پیامد مثبتی برای سین کیانگ می داند و از سوی دیگر نگران حضور راهبردی و نظامی ایالات متحده در افغانستان به عنوان یک تهدید ژئوپلیتیک برای منافع ملی چین است. به قول اندرو اسمال، چین، «نه پیروزی غرب را می خواست که موجب تحکیم حضور ایالات متحده در حیات خلوت او شود و نه پیروزی طالبان را می خواست که پیامد آن ایجاد خطراتی برای سین کیانگ و منطقه ای وسیع تر بود.» [۱۷] در نتیجه چین در فاصله سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ فقط کمک های مالی و سیاسی نمایی را با هدف خودداری از کناره گیری از دیگران و کمک به بازسازی کشور ارائه کرد. چین چنین طرز تفکر متضادی را تنها با تمایل بیشتر برای مداخله در امور افغانستان و به دست گرفتن امور یا با آشکارسازی دو پیامد وحشتناک، یعنی پیروزی امریکا یا پیروزی طالبان می توانست حل و فصل کند. همان طور که بعدها مشخص شد، بعد از وقایع اوت ۲۰۲۱، اینک چین باید با پیامد دوم مقابله کند.

اقتصاد؟

قبل از پرداختن به چالش جدید طالبان، باید اهمیت ملاحظات اقتصادی در سیاست چین در قبال افغانستان را روشن کنیم. اینک کاملاً مشخص شده است که افغانستان دارای منابع طبیعی غنی شامل نفت، گاز طبیعی، سنگ آهن، طلا، مس، کبالت، لیتیوم و سایر مواد خام با ارزش تقریبی یک میلیارد دلار است [۱۸]. بدیهی است که فکر کنیم که اگر چین بتواند این منابع را از طریق BRI وارد کند، می تواند از واردات از کشورهای دورتر، بی ثبات تر و کشورهایی که با آنها رابطه دوستانه چندانی ندارد، بکاهد و واردات خود را متنوع تر کند. تجارت با افغانستان همچنین باعث رشد اقتصادی ولایات غربی چین و نیز کشورهای همسایه پاکستان و جمهوری های آسیای مرکزی خواهد شد [۶، ص ۱۹].

این ملاحظات در زمینه ارزش اقتصادی افغانستان را باید با هزینه ها و خطرات تجارت با افغانستان و در کشور سنجد. اقتصاد ۲۰ میلیارد دلاری افغانستان عمدتاً حاصل تولید تریاک و قاچاق مواد مخدر و نیز کمک های مالی بین المللی است. تجارت چین با افغانستان در چهارچوب تجارت چین با همسایگانش بسیار ناچیز است و در سال ۲۰۲۰ به ۵۵۰ میلیون دلار بالغ شد [۱۹].

افغانستان فاقد ثبات سیاسی، امنیت داخلی و سیستم اقتصادی لازم برای ایجاد یک محیط مناسب برای سرمایه گذاری چینی است. جنگ ها و درگیری های داخلی ظاهراً پایان ناپذیر، فساد و زیرساخت های فرسوده و نیز مشکلات دیگر مانع از سرمایه گذاری های بزرگ چین می شوند. شایان ذکر است که در سرمایه گذاری بزرگ چین در این کشور کنون. شرکت متالورژی چین با سرمایه گذاری ۳ میلیارد دلار در میدان مس عینک و سرمایه گذاری شرکت ملی نفت چین در پروژه نفتی آمودریا. متوقف شده اند، چه رسد به اینکه کارایی لایبی داشته باشند. میدان مس عینک در لوگر، یکی از پرخشونت ترین ولایات افغانستان قرار دارد و تاکنون سرمایه گذاری های متعدد در آن ناموفق بوده اند [۴، ص ۲۸۸]. درس هایی از این قبیل به شرکت های چینی آموخته اند که به اندازه همتایان غربی خود ریسک گریز باشند [۶، ص ۲۷].